مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (سال چهارم)
شماره ۱۳/ پاییز ۱۳۹۷ / ص ۱۴- ۱

بررسی تعدد جرم در فقه

محمد جمادی[۱]، علی جانی پور[۲]

[۱] کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی،دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج، ایران
[۲] استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج،ایران

نام نویسنده مسئول:
محمد جمادی

چکیده

گاهی اوقات، جرم به‌واسطه حالت خاصی جامعه را تهدید ویژه می‌کند و خطرات جبران‌ناپذیری برای فرد و جامعه به همراه دارد. یکی از این حالات خطرناک، تعدد جرم (ارتکاب جرائم متعدد) است. تعدد جرم از علل عام تشدید مجازات و از چالش‌های مهم نظام عدالت کیفری است؛ چراکه عدالت و فطرت انسانی میان مجرمی که نخستین بار مرتکب جرم شده، با مجرمی که مکرر مرتکب بزه شده و مجازات نشده (فرض تعدد جرم)، می‌داند. بنابراین تعدد یکی از علل تشدید مجازات است به آن جهت که رعایت آن برای دادگاه‌ها الزامی است و قاضی در قبول یا عدم قبول آن چندان اختیاری ندارد.دربحث تعدد جرم فقیهان در برخی موارد قائل به اجرای مجازات اشد و در برخی دیگر قائل به جمع مجازات‌ها شده‌اند.مسئله تعدد جرم، از دیدگاه فقهی بابیان توصیفی، تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای، از مباحث قابل‌توجه و جدی در این پژوهش می‌باشد.

واژگان کلیدی: تعدد جرم،تشدید مجازات،اسباب

مقدمه

عدالت و انصاف حکم می‌کند مجازات کسی که یک‌بار مرتکب جرم شده در مقایسه با فردی که چندین بار نظم عمومی را مختل کرده یکسان نباشد ارتکاب جرائم متعدد می‌تواند نشانه ناسازگاری و حالت خطرناک بزهکار باشد ازاین‌رو تعدد جرم به‌عنوان یکی از علل تشدید مجازات به شمار آمده است در تعدد جرم مسئله این است که عدالت چگونه میان مجرمی که نخستین بار مرتکب جرم شده است با مجرمی که مکرر مرتکب بزه می‌شود تمایز قابل شد به‌حکم قاعده عقلانی ضرورت تناسب میان جرم و مجازات این دو حالت باید متفاوت باشد. در فقه اسلام در خصوص تعدد نتیجه قاعده صریحی وجود ندارد و فقها به‌صورت موردی در این زمینه بحث کردند اکثر فقها معتقدند چنان چه از رفتار واحدی نتایج مجرمانه متعددی حاصل شود مرتکب باید برای هر نتیجه مجازات گردد.

در اسلام یکی از عوامل مهم در تعیین مجازات، اعمال قاعده تشدید است، گاهی عمل مجرمانه‌ای که صورت می‌گیرد توأم با خطرات بیشتری برای جامعه بوده و بالطبع تنفر و انزجار بیشتری را برای افراد جامعه به وجود می‌آورد. در این حالت قانون‌گذار در راستای تحقق بخشیدن اصلاح، مجازات‌های سنگین‌تری برای این قبیل افراد منظور می‌نماید، مجرمی که فرایند کیفری را پیموده ولی طعم تلخ مجازات نتوانسته او را متنبه کند و در اصلاح او مؤثر واقع شود و مجدداً اقدام به تکرار همان جرم بنماید، منطقی است که اعمال مجازات در حق وی تشدید گردد. قانون‌گذار در مورد تشدید مجازات حساسیت زیادی به خرج داده است و برخلاف تخفیف مجازات که قاضی دارای اختیارات زیادی، قاضی دادگاه در مواردی می‌تواند مجازات را تشدید کند که قانون به او اجازه داده است و در غیر این صورت نمی‌تواند مجازات جرمی را تشدید کند، هرچند جرم ارتکابی، زننده و خطرناک باشد.

در حقوق جزای اسلامی، هر جرمی مجازات خاص خود را دارد در جرائم متعدد، مجازات نیز متعدد می‌شود و جمع مجازات‌ها در مورد مرتکب اجرا می‌گردد این نظریه، نظریه جمع مجازات‌ها نام دارد. ولی این قاعده مطلق نبوده، در همه جرائم چنین نیست. در فقه امامیه موارد خلاف قاعده مخصوصاً مشخص است. در فقه عامه این اصل کلی با دو نظریه تقیید شده است که از آن‌ها با عنوان نظریه تداخل و نظریه جب یاد می‌شود هر بزه‌ای، سبب و شرط برای اجزا و مجازات آن است. درواقع هر جرمی، سبب یا مقتضای مستقلی پدید می‌آورد و با تحقق سبب، جزای فعل یا مسبب لازم می‌آید.

۱. مفاهیم

فهم کامل مسائل بسته به تبیین معانی واژه‌های کاربردی آن دارد، بنابراین می‌بایست مفاهیم واژه‌های کلیدی به‌خوبی روشن شوند تا راه درک دقیق موضوع هموار شود. در ادامه و در جهت تکمیل این فرایند می‌باید مرزبندی عنوان تحقیق با عناوین مشابه مشخص گردد تا بحث دارای چارچوب و ساختاری منسجم شده و درنهایت ختم به جامع‌ومانع بودن تحقیق گردد، امری که در ذیل بدان پرداخته می‌شود.

۱-۱. مفهوم تعدد

تأسیس تعدد جرم یکی از نهادهای نظام تعیین مجازات در مکاتب حقوق کیفری است. سیاست جنایی غالب در مواجهه با وضعیت تعدد جرم، مبتنی بر تشدید مجازات اصلی است. اصل انطباق قوانین بر اساس موازین اسلامی- که مورد تصریح قانون اساسی است - مقتضی نقش فعال فقه در ساختاربندی نهادهای حقوقی موردنیاز می‌باشد؛ ضرورتی که باوجود گذشت سه دهه از استقرار حکومت اسلامی موردتوجه لازم واقع نشده است. چشم‌انداز، تصویری مطلوب و قابل‌دستیابی است که بر اساس مبانی موردپذیرش ترسیم می‌گردد.

۱-۱-۱. مفهوم لغوی

در لغت ؛ تعدد [تَ عَ دْ دُدْ] (ع مص) زیادت آمدن در عدد. (تاج المصادر بیهقی) (از اقرب الموارد) زیاده از هزار بودن. (از منتهی الارب) (ناظم الاطباء). هم یتعددون علی الف؛ ای یزیدون علی ذلک فی العدد. (منتهی الارب) (ناظم الاطباء) (از اقرب الموارد ||) .(اِ) در فارسی امروزین افزون از یک. عدد بسیار؛ و متعدد و فراوانی و بسیاری. (از ناظم الاطباء). کثرت. بسیاری. چندتائی.[۱]

[۱]. دهخدا، علی‌اکبر، رشد، تهران، ۱۳۹۰.

۱-۱-۲. مفهوم اصطلاحی

هرگاه شخص واحدی مرتکب جرایم مختلف یا مکرر، شده باشد؛ اما جرایم مزبور کشف نشده باشد و یا به هر نحو گناه‌کار نسبت به هیچ‌یک از آن‌ها محکومیت قطعی نیافته باشد تعدد جرم مصداق پیدا می‌کند.[۲]

گاهی اوقات، جرم بواسطه حالت خاصی جامعه را تهدید ویژه می کند و خطرات جبران ناپذیری برای فرد و جامعه به همراه دارد. یکی از این حالات خطرناک، تعدد جرم (ارتکاب جرایم متعدد) است. از دیدگاه جرم شناسانه نیز، این حالت از نشانه‌های خطرناک بزهکار به شمار می‌رود.

۱-۲. مفهوم تشدید مجازات

گاهی اوقات، رفتار مجرمانه‌ای که صورت می‌گیرد توأم با خطرات بیشتری برای جامعه بوده و بالمآل تنفر و انزجار بیشتری را برای افراد جامعه به وجود می‌آورد. ممکن است فردی باوجودآنکه مجازات جرم ارتکابی اولیه را تحمّل کرده، متنبّه نشده و مجدداً اقدام به تکرار جرم نماید و یا این‌که به‌دفعات مرتکب جرمی شود.[۳]تشدید مجازات یا کیفیات مشدده، کیفیاتی هستند که سبب می‌شوند مجازات از حداکثر خود فراتر رفته. همان‌طور که خوانند گرامی عنایت دارند مجازات‌ها عمدتاً دارای یک حداقل و یک حداکثر می‌باشند که قاضی در تعیین مجازات دراین‌بین اختیار تام دارد اما بهتر آن است که قاضی با عنایت به سابقه متهم، شرایط ارتکاب جرم، وضعیت مرتکب و پیش‌بینی آثار احتمالی مجازات بر نامبرده در این میان اخذ تصمیم نماید که اصطلاحاً به این وضعیت فردی کردن مجازات‌ها می‌گویند[۴] و ازآنجایی‌که حداقل و حداکثر مجازات مشخص‌شده، فردی کردن لطمه‌ای به اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها نمی‌زند.

۱-۲-۱. مفهوم لغوی

در علم لغت تشدید در معنای سخت گرفتن، سخت کردن، استوار کردن، تکرار کردن یک حرف، شده دادن به حرف، (اِمص.) سخت گیری، (اِ)، علامت (ّ) که بر بالای حرفی گذارند و آن نشانه تکرار حرف است؛ ج تشدیدات، آمده است.[۵]

۱-۲-۲. مفهوم اصطلاحی

کیفیات در اصطلاح به معنی چگونگی و اوضاع و احوال آمده است.[۶]همچنین اصطلاح کیفیات مشدده در اغلب قوانین جزایی کشورهای جهان وجود دارد ولی برخی از کشورها در قوانین کیفری مربوطه، اصطلاح «خطرناکی بزهکار» یا «خطر اجتماعی بزه» یا کیفیات «تشدیدکننده درجه بزهکاری» را به‌کاربرده‌اند. البته نباید انکار کرد که اصطلاح عام و کلی «کیفیات مشدده» نمی‌تواند آن‌طور که بایدوشاید مقصود را برساند و اگر بخواهیم از بحث لغوی صرف‌نظر کنیم باید گفت که منظور از کیفیات مشدده، اعمال و حالاتی است که برحسب مقررات قانون جزای هر کشور در تشدید مجازات بزه ارتکابی مؤثر می‌باشد. جهت روشن شدن موضوع می‌توان کیفیات مشدده را از چند نقطه‌نظر طبقه‌بندی کرد.[۷]

امروزه کیفیت و حدود تأثیر عوامل تشدید بر مجازات، در حقوق جزا از مباحث قابل‌توجه و جدی است؛ ازنظر فقه امامیه، عوامل متعددی در تشدید مجازات دخیل است و شرایط زمانی و مکانی و روانی و... بدون شک فرق بسیار در میان مجازات افراد ایجاد می‌کند. عمده عوامل که توجه اندیشمندان و حقوقدانان اسلامی را به خود معطوف کرده علل عمومی تشدید مجازات است که در هر جرمی مصداق پیدا کند، موجب تشدید مجازات خواهد بود و جهات عمومی تشدید مجازات در حقوق جزای ما انحصاراً در دو مورد تعدد و تکرر جرم

---

[۲] . ولیدی، محمد صالح؛ بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸، چ اول، ٤١٩

[۳]. شامبیاتی، هوشنگ، **حقوق جزای عمومی (۳)**، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۹٦، ص ۲۲۳

[٤]. منظور از فردی کردن مجازات آن است که قاضی در میان حداقل و حداکثر مجازات تعیین‌شده توسط قانون‌گذار و یا با اعمال کیفیات مخففه مجازات را به‌گونه‌ای تعیین نمایید که مناسب‌تر به حال مرتکب بوده و بیشترین اثربخشی فردی و اجتماعی را داشته باشد.

[٥]. معین، محمد، **فرهنگ فارسی**، دوره دوجلدی، جلد اول، کتاب راه نو، تهران،۱۳۸٥، ص ٤٥٦.

[٦] . جعفری لنگرودی، محمدجعفر، **ترمینولوژی حقوق**، انتشارات گنج دانش، تهران،۱۳۹٦، ص ٥٨٠

[۷]. شامبیاتی، هوشنگ، **حقوق جزای عمومی**، جلد سوم، انتشارات مجد،۱۳۹۳، ص ۱۹۲.

مصداق پیدا می‌کند. در بحث تعدد جرم، فقیهان در برخی موارد قابل به اجرای مجازات اشد و در برخی دیگر قابل به جمع مجازات‌ها شده‌اند؛ و در مبحث تکرار جرم که بیشتر در بحث حدود و تعزیرات مطرح‌شده است فقیهان به تشدید مجازات حکم کرده‌اند.[۸]

از منظر فقه عوامل تشدید مجازات دارای انواع مختلفی هستند و از جهات گوناگون قابل قسمت‌اند: در یک تقسیم‌بندی می‌توان علل تشدید مجازات را به چند قسمت تقسیم کرد:

۱-۳. مفهوم اسباب (سبب) در جنایات

مسئله تداخل در جنایت که یکی از سخت‌ترین و پرحرف و حدیث ترین مسائل جنایی است. در فقه نیز از تداخل با عنوان‌های مختلفی ازجمله تداخل اسباب و تداخل دیات و تداخل جنایات مباحثی مطرح‌شده است منظور از تداخل اسباب یعنی وجود چند سبب در مورد انجام یک عمل واجب است.[۹] هر حوزه مجموعه واژگان، اصطلاحات و مفاهیم خاص خود را دارد که پیش از ورود به بحث اصلی، لازم است به بیان آن‌ها پرداخته شود. حوزه موردبحث ما نیز از این اصل مستثنا نیست؛ بنابراین در ادامه به مفهوم شناسی مهم این حوزه یعنی «اسباب» در مفهوم لغوی و اصطلاحی پرداخته می‌شود:

۱-۳-۱. مفهوم لغوی

اسباب در علم لغت به معنای سبب. مایه‌ها، علت‌ها، علل. وسیله‌ها، لوازم، سازوبرگ‌ها، آلت‌ها. مال‌ها، دارایی‌ها. سازها، ساخت‌ها، اسباب حرب بکار رفته است؛ و در اصطلاح حکما چیزی که فی‌نفسه موجود باشد و وجود دیگری از آن حاصل شود یعنی چیزی که وسیله حصول چیز دیگری باشد (پز) موجبات و مقدمات مرض. یکی از ارکان سه‌گانه را سبب نامند و اسباب بر دو نوع است: سبب خفیف مرکب از یک متحرک و یک ساکن مانند نم، دم، کم و سبب ثقیل، مرکب از دو متحرک متوالی مانند همه، رمه. سبب‌ها و آن‌ها عبارت‌اند از چیزهایی که وتوشان مستلزم وجود مسبب و عدم آن‌ها مستلزم عدم سبب گردد.[۱۰]

۱-۳-۲. مفهوم اصطلاحی (از دیدگاه فقهی)

هنگامی‌که سببیت چیزی بر امری ثابت شود سه حالت کلی پدیدار می‌گردد: نخست، سبب و مسبب یکی هست؛ مانند این‌که گفته شود اگر شخصی مرتکب یک جرم حدی شود، حد بر او واجب می‌شود که در این مثال، ارتکاب جرم حدی، سبب و وجوب اجرای حد، مسبب است. دوم، سبب و مسبب متعدد و متباین با یکدیگرند که بدیهی است این تباین بحث تداخل و عدم تداخل را هم چون مثال نخست، منتفی می‌سازد. سوم، سبب متعدد و مسبب از یک جنس باشد. این مورد خود دو حالت دارد: یا مسبب‌ها غیرقابل تکرارند و یا قابل تکرار، به‌عنوان‌مثال چنانچه شخصی مرتکب قتل عمدی و زنای محصنه شده باشد و محکوم‌به قصاص نفس و حد رجم گردد، نمی‌توان حکم به تکرار مسبب یعنی مجازات داد؛ زیرا در این حالت نمی‌توان مسبب‌ها را که ازنظر ماهیت و نوع مانند یکدیگرند، بیشتر از یک‌بار اجراء و به عبارتی تکرار کرد، هرچند سبب که جرم قتل و زنای محصنه باشد، از دو سنخ متفاوت هستند؛ زیرا با اجرای هر یک از این دو مجازات، دیگر محلی برای اعمال مجازات دوم باقی نمی‌ماند. در این صورت ما با «تداخل اسباب» مواجهیم. ازاین‌رو، تداخل و عدم تداخل، یا در اسباب است و یا در مسببات. عدم تداخل اسباب آن است که اگر اسباب یک موضوع، متعدد باشد، مانند اسباب متعدد برای مجازات (ارتکاب چند جرم)، مسبب (مجازات) نیز متعدد خواهد بود. در تداخل اسباب نیز اسباب متعدد، مقتضی یک مسبب می‌باشند، به‌طوری‌که گویا یک سبب پدید آمده است. درباره تداخل اسباب، فقها سه نظریه کلی مطرح کرده‌اند: ۱. اصل، عدم تداخل است که مشهور فقهای امامیه به آن قائل هستند، ۲. اصل، تداخل ۳. تفصیل و تفکیک میان اسبابی که از جنس‌های مختلف هستند و اسبابی که از یک جنس هستند، به این نحو که در اسبابی که از جنس‌های مختلف هستند، اصل عدم تداخل و در اسبابی که از یک جنس هستند، تداخل آن‌ها پذیرفته‌شده است. ولی به‌طورکلی درباره نظر مشهور یعنی عدم تداخل اسباب چنین استدلال کرده‌اند که در یک قضیه شرطیه که دارای شروط متعدد است، هر

---

[۸]. یزدانی،سیدمحمدعلی، عوامل تشدید مجازات درفقه و حقوق، فقه قضایی،*مجله علمی تخصصی انجمن علمی پژوهشی فقه قضایی*،۱۳۹۳، ص ۵۵.

[۹]. دعاخوان، سید رضا، تحلیل و تفسیر تداخل در جنایات، *نخستین کنگره بین‌المللی حقوق ایران*، تهران، مرکز همایش‌های توسعه ایران،۱۳۹٤، قابل‌دسترسی در:
https://www.civilica.com/Paper-LAWI01-LAWI01_173.html

[۱۰]. معین، محمد، **پیشین**، ص ۱۳۱.

شرط، ظهور در استقلال در سببیت دارد و جزاء بر هر یک از آن‌ها مترتب می‌شود؛ گرچه مشهور فقها مقتضای اصل لفظی را عدم تداخل اسباب و نیز عدم تداخل مسببات می‌دانند. ولی مواردی را که دلیل خاصی وجود داشته باشد، استثناء می‌کنند. به‌گونه‌ای که قانون‌گذار جدید مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، با پذیرفتن نظر مشهور فقهای امامیه، اصل را بر عدم تداخل قرار داده و در برخی موارد تداخل را پذیرفته است.[۱۱]

۲. تعدد جرم در فقه

جرم و پدیده مجرمانه همواره برای جامعه بشری خطرناک بوده است؛ اما گاهی اوقات جرم به‌واسطه حالت خاصی جامعه را تهدید ویژه می‌کند، و خطرات جبران‌ناپذیری برای فرد و جامعه همراه دارد برای جلوگیری از ارتکاب چنین اعمال مجرمانه‌ای قانون‌گذار تدابیر خاصی اندیشیده است. تشدید مجازات در صورت تعدد جرم ازجمله این تدابیر است که موردتوجه اکثر فقها قرارگرفته است. نظام حقوقی و کیفری اسلام نیز قرن‌ها پیش به این امر دقت داشته و به تشدید مجازات در صورت تعدد و تکرار جرم پرداخته. تعدد جرم، حالتی است که شخص مجرم مرتکب جرائم مختلف شده ولی به عللی به جرم او رسیدگی نشده و حکم لازم‌الاجرا در مورد او صادر نشده است در این صورت مجرم گاه با فعل واحد و گاهی با افعال متعدد قوانین جزایی را نقض کرده است. امروزه کیفیت و حدود تأثیر تعدد جرائم بر مجازات در حقوق جزا از مباحث قابل‌توجه وجدی است. با توجه به اینکه قانون مجازات اسلامی نیز برگرفته از نظام کیفری و فقه اسلامی است، لذا بررسی نظام جزایی اسلام در فقه در این مورد امری ضروری به نظر می‌رسد. در بحث تعدد جرم فقیهان در برخی موارد قائل به اجرای مجازات اشد و در برخی دیگر قائل به جمع مجازات‌ها شده‌اند.[۱۲] در این مبحث سعی شده است پیرامون یکی از مباحث عمده حقوق جزا، یعنی تعدد جرم در جرائم شرعی و تداخل اسباب در جنایات در فقه بررسی به عمل آید. در این رهگذر از یک‌سو مفهوم آن‌ها بر پایه نظر فقیهان تبیین شده است و از دیگر سو احکام فقهی حقوقی آن‌ها باملاحظه اصول و قواعد جزایی حاکم بر مکتب فقهی اسلام، موردتحقیق و پژوهش قرارگرفته است:

۲-۱. تعدد جرم در شرع اسلام

علل تشدید مجازات در نظام کیفری اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا تعیین مجازات متناسب با بزه انجام‌شده سبب رعایت اصول انسانی و اسلامی، مثل اصل عدالت کیفری و تناسب بین جرم و مجازت می‌شود و این امر سلامت روانی جامعه را بیشتر تأمین می‌کند. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران که برمبنای شریعت و اجرای احکام اسلامی پایه‌گذاری شده است، اصول حقوقی زیادی جاری است که می‌توان به اصل قانونی بودن جرم و مجازت، تناسب بین جرم و مجازات و عدالت کیفری به‌عنوان مهم‌ترین اصول اشاره کرد.[۱۳]

گناه که موضوع حدود و تعزیر اسلامی است، شامل هر گناهی می‌شود، هرچند جنبه شخصی داشته باشد؛ یعنی مفسده آن متوجه خصوص مرتکب گناه گردد؛ مانند: شرب خمر، کذب، ترک واجبات و... درحالی‌که موضوع حقوق جزای عرفی شامل این‌گونه گناهان نمی‌شود: مجازات دنیوی این‌گونه گناهان غالباً تعزیرات است که مقدار آن از حدّ کم‌تر است. از سوی دیگر، جرم که موضوع حقوق جزای عرفی است، شامل جنایات عمدی و خطایی نیز می‌گردد، درحالی‌که گناه که موضوع حدود و تعزیرات شرعی است، شامل این‌گونه گناهان نمی‌شود؛ بنابراین، موضوع حقوق جزای اسلامی که اعمّ از گناه و جنایات است، با موضوع حقوق جزای عرفی، به‌اصطلاح اهل منطق، عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی موضوع حقوق جزای شرعی اعمّ از موضوع حقوق جزای عرفی است؛ زیرا علاوه بر این‌که شامل گناهان دارای مفسده اجتماعی و نیز جنایات عمدی و خطایی می‌شود، گناهانی را که دارای مفسده شخصی نیز هستند شامل می‌شود؛ برخلاف موضوع حقوق جزای عرفی که شامل نوع اخیر نمی‌شود.[۱۴] ازاین‌رو در این گفتار به بررسی و تطبیق مقررات تعدد جرائم شرعی در فقه اسلامی خواهیم پرداخت:

---

[۱۱]. لطفی، اسد اله وسپیده میر مجیدی، تداخل و عدم تداخل اسباب و مسببات و جلوه‌هایی از آن در فقه و حقوق ایران، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، شماره ۷۲، ۱۳۹٤، صص ۱٦۲-۱٦۳

[۱۲]. صداقت گویان، فائزه، بررسی تعدد و تکرار جرم در فقه مذاهب اسلامی، بازدیدشده در تاریخ:۱۳۹۷/۰۵/۰۵، قابل دسترسی در: https://hawzah.net

[۱۳]. واعظی،میراز محمد،تاملی در تکرار جرم درفقه امامیه و حقوق ایران،مطالعات اسلامی فقه و اصول،شماره ۸٤، ۱۳۸۹،صص ۱۸۵و ۲۰٦

[۱٤]. کراباسی، محمد مهدی، ماهیت جرم در فقه و قانون جزا، گنجینه معارف، مجله معرفت، شماره ۵۸، بازدید شده در تاریخ:۱۳۹۷/۵/۵، قابل دسترسی در:

۲-۱-۱. تعدد در حدود شرعی

مجازات حدی یا حدود بخشی از قوانین کیفری اسلام می باشد که وارد نظام حقوق کیفری ایران پس از انقلاب شده است و ماهیتاً یک نظام مجازات ثابت و مشخص می باشند.دراصطلاح فقهی ، مراد از حدود در این بحث، باتوجه به معنای واژه ، برخی مجازات های بدنی یا اندازه های ثابت، لایتغیر و مشخص است که از جانب شاعر برای جرائمی خاص تعیین شده است.[۱۵]

برخی معتقدند در تعدد اعتباری جرائم مستلزم حدود، برای تعیین مجازات مرتکب ناگزیر باید به ابواب مربوطه در قانون مجازات اسلامی مراجعه کرد و با توجه به نبود حکم قانونی و با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی حکم قضیه را از منابع اسلامی یا فتاوی معتبر اصطیادی پرداخت...

۲-۱-۱-۱. تعدد اعتباری حدود

سکوت قانون مجازات اسلامی در زمینه تعدد اعتباری در حدود نیز به آن دلیل است که در منابع فقهی حکم عامی در این زمینه پیش‌بینی‌نشده است؛ اگرچه احکام خاصی نیز در این زمینه وجود دارد که به دلیل ضعف سند، فقها از استناد به آن خودداری ورزیده‌اند. درعین‌حال، برخی ضوابط درزمینه تعیین مجازات تعدد اعتباری حدود را می‌توان از احکام پراکنده فقهی اصطیادی اشاره کرد:

۲-۱-۱-۱-۱. تشدید مجازات بر اساس خاص بودن جرم

در تعیین مجازات تعدد اعتباری حدود باید توجه داشت که شارع در برخی از موارد، فعل واحدی را که موضوع دو عنوان مجرمانه بوده با مجازات شدیدتری مورد حکم قرار داده است. برای نمونه، اگر شخصی دست به سرقت مسلحانه حدی بزند، مجازات او در مرتبه اول تنها قطع دست راست است. لیکن اگر این امر موجب اخافه نیز بشود، حتی اگر قصد اخافه را نیز نداشته باشد، مرتکب دو جرم محاربه و سرقت حدی شده است. در این صورت، بر اساس نظر شیخ طوسی، مجازات وی تشدید شده، دست راست و پای چپ وی قطع می‌گردد و نفی بلد نیز می‌شود لذا تعدد اعتباری در حدود می‌تواند موجب تشدید مجازات شود؛ بنابراین، درصورتی‌که مثال یادشده را نوعی تعدد نتیجه بدانیم و تعدد نتیجه را نوعی تعدد اعتباری لحاظ کنیم می‌توان نتیجه گرفت که تعدد اعتباری و تعدد نتیجه در حدود، برخلاف قصاص و دیات که ناظر به حق‌الناس است موجب تشدید مجازات می‌شود، نه جمع مجازات.[۱۶]

۲-۱-۱-۱-۲. تشدید مجازات بر اساس حق‌الناس بودن جرم

به نظر می‌رسد در تعدد اعتباری جرائم حدی به دلیل قاعدهٔ اصطیادی «الحدود مبنیه علی التخفیف و التسامح»، «دفع الحدود ما استطعتم» و قاعده فقهی «درء الحدود بالشبهه» باید حکم به اجرای مجازات اخفت داد. برای نمونه، اگر شخصی سلاح بکشد و امنیت داخلی را به‌طور گسترده مختل کرده، موجب ناامنی گسترده در جامعه شود، عمل واحد او هم مشمول عنوان محاربه است و هم افساد فی‌الارض. در این مورد، بر اساس قواعد یادشده باید حکم به مجازات محاربه داد که می‌تواند نفی بلد باشد.

marifat.nashriyat.ir

[۱۵] .مندنی، اسلام، حقوق جزای عمومی(مجازات ها)،انتشارات مجد، تهران،۱۳۹۳،ص۸۸

[۱۶]. ساداتی، محمد مهدی و دیگران، جرم انگاری و کیفرگذاری تعدد حدود در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی، *نشریه علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی*، سال هشتم، شماره چهاردهم،۱۳۹۶، ص ۶۹

۲-۱-۱-۲. تعدد مادی حدود

تعدد مادی جرم در حدود عبارت است از ارتکاب جرائم متعدد بدون آنکه مجازات‌های تعیین‌شده به اجرا گذاشته‌شده باشد. در تعدد مادی حدود، ملاک در تمایز تکرار و تعدد، اجرای حد است و نه صدور حکم قطعی. این امر به آن دلیل است که جرائم حدی، گناه کبیره تلقی می‌شوند و لذا مجازات از باب مسبب بودن باعث تطهیر فرد گناهکار می‌گردد؛ بنابراین در حقوق جزای اسلامی بیشتر بر حالت خطرناک مجرم تمرکز شده است و هدف در وهله اول سزادهی نیست. درحالی‌که بر اساس مبانی حقوق جزای عرفی، فردی که مرتکب تعدد جرم شده با فردی که فقط یک جرم را مرتکب شده است، قابل‌مقایسه نیست و باید مجازات بیشتری در انتظار این فرد باشد در فقه امامیه، مجازات حدود مشابه و غیرمشابه با یکدیگر متفاوت است و از اصول خاصی پیروی می‌کند.[۱۷] که در اینجا به برخی از مهم‌ترین پرسش‌ها در خصوص هرکدام در ادامه توضیحات لازم را خواهیم داد.

۲-۱-۲. تعدد جنایات موجب قصاص و تعزیر

تعدد در جرائم موجب قصاص و تعزیر، قاعده جمع مجازات‌ها حاکم است؛ و همه مجازات‌ها اجرا می‌گردد اما اولویت با اجرای مجازات مشمول حد یا قصاص است مگر اینکه اعمال مجازات حدی یا مستوجب قصاص سالب حیات باشد و زمینه را برای اجرای مجازات تعزیری از بین ببرد که مجازات تعزیری ابتدائاً اجرا می‌شود. چنانچه مجازات مستوجب قصاص با مجازات تعزیری حق‌الناسی مانند مجازات افتراء و اهانت یا تعزیر معین شرعی (منصوص شرعی) همراه باشد، ابتدا مجازات تعزیری اجرا و پس‌ازآن قصاص اجرا می‌گردد. اگر محکومیت مستوجب حد با تعزیرات همراه باشد و تعزیر حق‌الناس و یا معین شرعی (منصوص شرعی) باشد به شرطی که موجب تأخیر در اجرای حد نشود، ابتدا مجازات تعزیری اجرا و پس‌ازآن حد اجرا می‌گردد.[۱۸] در جمع بین مجازات‌های جدی و قصاص با تعزیر اولویت با اجرای مجازات‌های جدی و قصاصی است. تنها استثنای این مورد که در آن صورت ابتدا مجازات تعزیری اجرا می‌شود، حالتی است که مجازات حدی و قصاصی مستوجب سلب حیات باشد و مجازات تعزیری نیز حق‌الناسی یا تعزیری معین شرعی باشد و این مجازات تعزیری موجب تأخیر در اجرای حد نشود. در عمل مجرمانه طوری باشد که هم شامل تعزیر و هم شامل حد یا قصاص شود بدین‌صورت عمل می‌شود که مجازات‌ها جمع می‌گردد و ابتدا حد یا قصاص اجرا می‌شود؛ اما چنانچه حد یا قصاص، سبب فوت مجرم شود یا مانع انجام مجازات تعزیری شود در این صورت ابتدا تعزیر و سپس حد یا قصاص اجراء می‌شود. اگر جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد مانند سرقت حدی و سرقت غیر حدی، یا مانند زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا، مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم می‌شود و مجازات تعزیری دیگر اجراء نمی‌شود. مگر در حد قذف (نسبت ناروا و زنا) که در این صورت اگر قذف نسبت به یک شخص و دشنام به شخص دیگری باشد، مرتکب به هر دو مجازات محکوم می‌شود.[۱۹] به عبارتی تعدد جنایات موجب قصاص و تعزیر ناظر به حالتی است که: جرائم حدی باشند و از سوی دیگر در راستای هم و مربوط به یک واقعه باشند. لذا اگر وقایع متعدد شد، بر اساس صدر آن ماده اعمال مجازات صورت می‌گیرد.[۲۰]

۲-۲. تداخل اسباب در جنایات ناظر به فقه

عبارات و کلمات فقهای مذاهب خمسه در تعریف جنایت متفاوت است. در کلام فقها، جنایت به فعل حرامی گفته می‌شود که به آدمی آسیب و صدمه وارد نماید، به‌طورمعمول این آسیب، منجر به از بین رفتن جان و روح، نقص عضو، از بین رفتن منافع بدن انسان معصوم می شودکه موجب قصاص یا دیه است؛ اما جهت ایجاز کلام به‌قدر مشترک و متیقن که در کلام ابن ماجد است، اکتفا می‌شود؛

« جنایت نزد فقها عبارت است از تعدی و تجاوزی که بر نفس و مادون نفس واقع می‌شود».[۲۱]

---

[۱۷]. **همان**، صص ۷۰-۷۲

[۱۸]. عدالتخواه، محمدرضا، **مبسوط قانون مجازات اسلامی**، انتشارت مجد، تهران،۱۳۹۳، ص ۲۷۲

[۱۹]. نجاری، فارس و دیگران، **قانون مجازات اسلامی به زبان ساده**، انتشارات آوا، تهران،۱۳۹۵، صص ۱۳۶-۱۳۷

[۲۰]. شمس ناتری، محمدابراهیم، **قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی**، انتشارات میزان،۱۳۹۳، ص ۳۳۹.

[۱]. فهیم، نرگس، **تداخل جنایات در فقه و مذاهب خمسه و حقوق ایران**، انتشارات مجد، تهران،۱۳۹۳، ص ۲۶

منظور از اسباب در اصول فقه مثلاً در مباحث شرعی مقتضیات احکام شرعی است که ظواهر ادله شرع دال بر آن است و «تداخل اسبابه اشتراک چندین سبب در تأثیر بر یک مسبب است مانند آنکه با تحقق چند سبب شرعی برای غسل تنها یک عمل غسل واجب شمرده شود در منابع اصولی و فقهی این بحث وجود دارد که آیا اصل تداخل اسباب متعدد برای یک مسبب یا حکم شرعی است یا اصل عدم تداخل آن‌هاست مگر آنکه برای تداخل دلیلی وجود داشته باشد. با فرض عدم تداخل اسباب و ثبوت تکالیف متعدد این بحث مطرح می‌شود که اگر تکالیف مزبور از یک جنس باشند یک امتثال برای آن‌ها کافی است و با انجام دادن یک فعل از آن جنس مانند یک‌بار غسل کردن آن تکالیف ساقط می‌شود یا خیر. عنوان این بحث «تداخل مسببات» است و در منابع اصولی متأخر غالباً همراه با مبحث تداخل اسباب می‌آید. به نظر برخی محققان ازجمله نراقی، مراد از تداخل اسباب در متون فقهی تداخل مسببات یعنی مسبب بودن امر واحد از دو یا چند سبب مستقل است. به تعبیر دیگر مفهوم تداخل اسباب عدم تعدد تکالیف ناشی از اسباب متعدد در مقام امتثال است.[۲۲]

۲-۲-۱. رویکرد اصولی به تداخل یا عدم تداخل اسباب و مسببات

مراد از تداخل اسباب این است که اجتماع اسباب متعدد، موجب ایجاد جزاء واحد می‌شود؛ یعنی اسباب، همان‌طور که در حالت انفراد موجب ایجاد جزاء واحد می‌شوند، در فرض اجتماع نیز مقتضی ایجاد جزاء واحد هستند، نه اینکه هر سبب اقتضای جزا داشته باشد، به‌نحوی‌که برحسب تعدد اسباب جزا نیز متعدد شود. مراد از تداخل مسببات این است که بااینکه ذمه فرد به چند تکلیف مشغول شده است، اما انجام و امتثال جزاء واحد کفایت می‌کند. ثمرهٔ بحث تداخل اسباب و مسببات این است که اگر اسباب باهم تداخل کنند، ایجاد جزاء متعدد تشریع و حرام است. به‌عنوان‌مثال، اگر دو زلزله آمد و فرد در نماز اقامه کرد و ما قائل به تداخل اسباب شویم، نماز دوم تشریع می‌باشد و حرام است. چون ذمه فرد فقط به جزاء واحد مشغول بوده و زاید بر آن تشریع محسوب می‌شود. ولی اگر اسباب تداخل نکنند، احکام متعددی از سوی شارع متوجه مکلف می‌شود که در این صورت، اگر بپذیریم که مسببات باهم تداخل می‌کنند، مکلف در مقام عمل باید به امتثال واحد اکتفا کند؛ ولی اگر قائل به عدم تداخل مسبّبات شویم، مکلف باید به ازای هر سببی امتثال جداگانه انجام دهد.[۲۳]

۲-۲-۱-۱. تداخل یا عدم تداخل اسباب

از فقهای امامیه، برای نخستین بار شهید اول در کتاب القواعد و الفوالد (ذیل قاعده چهارده موضوع تداخل یا عدم تداخل اسباب را مطرح کرد و اصولیین بزرگی چون آخوند خراسانی آن را در ذیل موضوع تعدد شرط و اتحاد جزا مطرح کردند بنابراین، موضوع تداخل با عدم تداخل اسباب به دنبال موضوع تعدد شرط و اتحاد جزا مطرح و این موضوع بررسی شد که آیا تعدد اسباب موجب تعدد مسبب می‌شود؟ به‌طور کلّی سه دیدگاه در میان فقها مطرح‌شده است؛

الف) عدم تداخل اسباب که قول مشهور فقیهان امانیه است. به اعتقاد این دسته از فقها در قضیهٔ شرطیه که دارای شروط متعدد است هر شرط بنا به اطلاق و مقدمات حکمت ظهور در استقلال و ظهور در انحصار در سببیّت دارد و جزای شرط با مسبّب نیز متعدد خواهد بود.

ب) تداخل اسباب که برخی از فقها مثل محقق خوانساری از آن تبعیت می‌کنند. پیروان این نظر بر این باورند که تکلیف دوم علاوه بر تکلیف نخست خلاف اصل عدم تکلیف است و اصل اولی در ارتباط با اسباب شرعی تداخل است یا استدلال می‌کنند که محال است برخوردار از دو یا چند حکم باشد بنابراین اگر اسباب متعدد اجتماع کرد همگی یک حکم بیشتر نداشته و مقتضای قاعده تداخل اسباب است.

ج) تفصیل بین اسباب از نوع واحد و هم سنخ که مقتضی تداخل است و از نوع متفاوت که قاعده بر عدم تداخل دلالت می‌کند.

۲-۲-۱-۲. نظر فقهای عامه

فقهای اهل سنت همچون فقهای امامیه همگی به اجماع اعتقاد به عدم تداخل اسباب دارند: درصورتی‌که حدود مختلفی اجتماع کند و در آن‌ها حد منجر به قتل وجود نداشته باشد که حدود تداخل نمی‌کنند و حاکم باید به اجرای حدود بپردازد. دلیل ایشان فعل پیامبر (ص) و اجماع صحابه بر آن است؛ مانند شخصی که مرتکب زنا، سرقت، شرب خمر، قذف و درآوردن چشم دیگری شود، حاکم ابتدا چشمش را

---

[۲۲]. دعاخوان، سید رضا و دیگران، بررسی فقهی و حقوقی تداخل در جنایات، *اولین همایش ملی وکالت، اخلاق، فقه و حقوق*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد،۱۳۹۳، صص ۱-۲.

[۲۳]. قبله ای خویی، خلیل و دیگران، تداخل اسباب و مسببات در علم اصول و حقوق موضوعه، *نشریه علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی*، شماره هشتم،۱۳۹۳، ص ۱۴۰.

درمی‌آورد، سپس حد قذف را جاری می‌کند، چون حق‌الناس است و او را حبس می‌کند تا خوب شود، برای این‌که مرگش بر اجراکننده حد واجب نیست و اجرای دو حد ممکن است منجر به مرگ او شود، وقتی خوب شد، حاکم می‌تواند با حد قطع شروع کند یا حد زنا چون هر دو ازنظر ثبوت یکسان هستند و در پایان نیز حد شرب را اجرا کند؛ اما اگر یکی از حدودی که اجتماع کرده‌اند، قتل باشد، فقهای اهل سنت اختلاف دارند که در ادامه به بررسی نظر ایشان پرداخته می‌شود.

مذهب مالکیه: ایشان درباره حدود مختلف همچون امامیه جمع مجازات را لازم می‌دانند تا زمانی که یکی از حدود قتل باشد. به‌عنوان‌مثال، اگر حد زنا و قذف باهم جمع شوند یا حد زنا و شرب خمر، هر دو اجرا می‌شوند؛ اما اگر مردی مرتکب سرقت شود و زنا کند، درحالی‌که محصن است و این حدود بر او جمع شود، فقط رجم می‌شود و دستش قطع نمی‌شود، زیرا قطع داخل در قتل می‌شود.

مذهب شافعیه: شافعی درباره اجتماع حدودی که در آن قتل است، حکم به اجتماع حدود داده، مانند شخصی که مستحق قصاص نفس، قصاص عضو و قذف شده که ابتدا حد قذف اجرا و سپس قصاص عضو و درنهایت قصاص نفس می‌شود؛ یعنی شافعی معتقد به اجرای همه حدود و سپس قتل مجرم است. البته در مواردی نیز از شافعی تداخل روایت‌شده، مانند شخصی که در حال بکر و سپس احصان زنا کند، اقامه رجم لازم است و جلد سقوط می‌کند. البته سیوطی درباره این حکم دو وجه را بیان کرده و هیچ‌یک را ترجیح نداده، اما درباره کسی که مرتکب سرقت و زنا و شرب خمر شده، حکم به عدم تداخل می‌دهد و دلیل آن را اختلاف جنس آن‌ها می‌داند.[۲۴]

۲-۲-۱-۳. تداخل یا عدم تداخل مسببات

تداخل یا عدم تداخل مسببات فرع بر عدم تداخل اسباب است؛ یعنی در صورت عدم تداخل اسباب، این سؤال مطرح می‌شود که آیا مسببات درهم ادغام می‌شوند یا خیر؟ به‌حکم عقل واجبات متعدد با فعل واحد ساقط نمی‌شود، اگرچه به‌قصد امتثال برای جمیع آن‌ها باشد. این قاعده عقلی، اقتضای عدم تداخل مسببات را دارد، مگر اینکه دلیلی دلالت بر سقوط جمیع واجبات با فعل واحد کند، مثل سقوط اغسال متعدد به غسل جنابت؛ اما اگر دلیلی نباشد، هر وجوبی امتثال خاص خود را اقتضاء دارد.

برخی از اصولیین یک مورد خاص را از این قاعده استثناء کرده و معتقدند: اگر نسبت دو واجب، عموم و خصوص من وجه باشد، عمل به مورد اجتماع هر دو، موجب سقوط هر دو تکلیف می‌شود مثلاً کسی به دیگری بگوید: «اکرم هاشمیاً و اضف عالماً» که دو عنوان و دو امر جداست و مأمور می‌تواند هر تکلیفی را به طور جداگانه امتثال کند یعنی سیدی را گرامی بدارد اما نه به نحو ضیافت، یا به نحو ضیافت باشد ولی عالم نباشد و عالمی را ضیافت کند ولو سید نباشد. ولی لازم نیست دو امتثال انجام دهد بلکه می‌تواند مجمع هر دو عنوان را بیابد و یک دانشمند سید را ضیافت کند به نیت هر دو تکلیف در این صورت با این عمل هر دو امر امتثال شد و امتثال امر موجب سقوط امر است.[۲۵]

۲-۲-۲. مصادیق تداخل و عدم تداخل اسباب و مسببات

منظور از تداخل یا عدم تداخل اسباب این است که آیا اسباب و شرایط مختلف، مسببات و جزاهای متعددی را به دنبال دارند یا خیر. در پاسخ گفته می‌شود هنگامی‌که اسباب متعدد ولی مسبب‌ها تکرار شدنی نباشد با تداخل اسباب مواجهیم و ان گاه که اسباب متعدد و مسبب‌ها نیز قابل تکرار باشند به‌غیراز مواردی که دلیل خاصی بر تداخل یا عدم تداخل اسباب وجود داشته باشد، اقتضای قاعده، مطابق قول مشهور فقهای امامیه، عدم تداخل اسباب و مسببات است. جلوه‌های قاعده مزبور در فقه جزا و حقوق کیفری ایران در احکام مربوط به تعدد جرم، حد قذف، قصاص و احکام دیه به بحث و بررسی گذاشته می‌شود. به عبارتی در پاره از موارد ارتکاب فعل یا افعال مجرمانه سبب می‌شود یک یا چندین عنوان مجرمانه مختلف ایجاد شود. لذا در ادامه همین بند مهم‌ترین احکام قذف، قصاص و دیات را موردبحث و ارزیابی قرار می‌دهیم:

---

[۲۴]. تاج الدینی، معصومه و لیلا مهرابی راد، قاعده عدم تداخل اسباب در مجازات ها، *نخستین کنگره بین المللی حقوق ایران*، تهران، مرکز همایشهای توسعه ایران،۱۳۹٤، ص ۳

[۲۵]. قبله ای خویی، خلیل و دیگران، **پیشین**، ص ۱٤٥.

۲-۲-۲-۱. در احکام حد قذف

بر اساس روایتی از امام محمدباقر (ع) به نقل از محمّد بن مسلم است که گفته است: شخصی، دیگری را قذف کرد و تازیانه خورد و دوباره قذف را تکرار کرد؛ امام در مورد او فرمود: «اگر قذف کننده بگوید آنچه گفتم حق بود تازیانه نمی‌خورد، تعزیر می‌خورد و اگر بعدازآنکه تازیانه خورد دوباره نسبت زنا بدهد، حد می‌خورد و اگر قبل از آنکه تازیانه بخورد، ده بار هم نسبت زنا بدهد فقط یک حد بر او جاری می‌شود». در خصوص این‌که اگر شخصی به دیگری بگوید تو از راه زنا متولدشده‌ای؛ یک احتمال آن است که نسبت زنا به پدر یا نسبت زنا به مادر و نسبت زنا به هر دو باشد؛ آیا در چنین موردی قاذف به حد قذف مجازات می‌شود؟ دو احتمال مطرح است؛ یکی چون مقذوف معین نیست، حد جاری نمی‌شود و دیگری این‌که اگر پدر و مادر هر دو باهم تقاضای اجرای حد قذف کنند، حد جاری. اگر شخصی به دیگری بگوید مادرت تو را از راه زنا به دنیا آورده است بازهم مقذوف، نامعین است زیرا ممکن است مادر مجبور به زنا شده باشد و زنا فقط از در جانب پدر طفل که نامعین است محقق شده باشد؛ البته عده‌ای قذف را نسبت به مادر مخاطب محقق دانسته‌اند.

منظور از «چند سبب» سبب‌هایی است که نسبت قذف در آن‌ها متفاوت باشد، یعنی یکی با نسبت زنا و دیگری با نسبت لواط باشد نه نسبت دادن زناها و لواط‌های مختلف؛ بنابراین وقتی یکی به دیگری بگوید تو با الف و ب زنا و باج و لواط نمودی، صرف‌نظر از ظهور ماده فوق، می‌توان با استناد به‌قاعده درأ و اصل تفسیر مضیق قانون حکم به دو مجازات و نه چهار حد نمود. آیا حکم ناظر به صورتی است که قاذف همان نسبت زنا را تکرار کند؟ یعنی کراراً به «الف» بگوید که تو با «ب» زنا کردی یا حکم آن شامل موردی هم می‌شود که قاذف به «الف» بگوید با «ب» زنا کردی و مجدداً بگوید با «ج» زنا کردی؟ احتمال نخست با قواعد حقوقی سازگارتر است زیرا اگر مفهوم هر نسبتی متفاوت باشد یک سبب جداگانه برای حد قذف محسوب می‌شود و هر جا که سبب‌ها متعدد باشند، مسبب نیز متعدد خواهد بود. این ادعا گرچه منطقی و موجه است اما به نظر می‌رسد که به‌عنوان یک شبهه، مانع اجرای مجازات‌های متعدد می‌شود.[۲۶]

۲-۲-۲-۲. در احکام قصاص

ازجمله مسائلی که در قصاص اعضاء و نفس مطرح می‌شود، موضوع تعدد و تداخل حق قصاص است. در مواردی که جانی با ایراد ضربه واحد باعث جرح یا قطع و سپس مرگ مجنی‌علیه می‌شود، قصاص طرف در نفس تداخل کرده و بنا بر نظر فقهای امامیه جانی فقط به قصاص نفس محکوم می‌گردد. درصورتی‌که جانی ضربات متعدد را به‌طور متوالی و بافاصله کم وارد نماید نیز قصاص طرف در نفس تداخل می‌کند. در مواردی که ضربات متعدد بافاصله زمانی وارد شود، قصاص طرف در نفس تداخل نکرده و هر جنایتی قصاص خود را دارد. وجود بهبودی و عدم آن میان ضربات، موردبحث فقهای امامیه و اهل سنت واقع‌شده و سه دیدگاه مبنی بر تداخل، عدم تداخل و تفصیل میان ضربات متوالی و متفرق به وجود آمده است.[۲۷] تداخل قصاص طرف در نفس: در مورد تداخل قصاص طرف در نفس عموماً چهار دیدگاه میان فقهای امامیه وجود دارد:

۱. دیدگاه تداخل به‌طور مطلق و در همه موارد.

۲. دیدگاه عدم تداخل به‌طور مطلق و در همه موارد.

۳. تفصیل بر اساس تعداد ضربات؛ یعنی فرق گذاشتن بین جایی که جنایات با یک ضربه باشد و بین جایی که جنایات با ضربات متعدد صورت گیرد.

۴. تفصیل در جنایات متعددی که به‌طور متوالی یا متفرق و جدا از هم انجام‌شده باشد.

---

[۲۶]. زراعت، عباس، **شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی، حدود (جرایم منافی عفت)**، انتشارات جنگل، تهران،۱۳۹۳، صص ۲۵۹-۲۶۰

[۲۷]. فرح زادی، علی اکبر و نرگس فهیم، تداخل جنایات موجب قصاص در فقه و مذاهب اسلامی، دوفصلنامه علی پژوهشی فقه مقارن، شماره ده، ۱۳۹۶، صص ۱۰۷ و ۱۰۹.

۲-۲-۲-۳. در احکام دیات

آنچه موضوع این مبحث را به خود اختصاص داده است تداخل یا عدم تداخل دیه اعضا و اطراف در دیه نفس و نه قصاص نفس است. بر این اساس بحث تداخل و عدم تداخل در مبحث دیه به‌این‌ترتیب قابلیت طرح می‌یابد اگر چندین جنایت بر کسی وارد شود آیا برای هر جنایت دیه جداگانه تعیین می‌شود (عدم تداخل) یا اینکه دیه برخی جنایت‌ها در دیگری تداخل کرده و به پرداخت متعدد دیه نیازی نیست (تداخل).

نتیجه گیری و پیشنهادها

در فقه اسلام، در خصوص تعدد نتیجه، قاعده صریحی وجود ندارد و فقها به‌صورت موردی در این زمینه بحث کرده‌اند. اکثر فقها معتقدند چنان چه از رفتار واحدی، نتایج مجرمانه متعددی حاصل شود مرتکب باید برای هر نتیجه مجازات گردد. قانون‌گذار ایران در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، از دیدگاه اخیر پیروی نموده و در تبصره یک ماده ۱۳۴، تعدد نتیجه را تعدد مادی محسوب نموده است.

سیاست کیفری اسلام به‌گونه‌ای است که قاضی این امکان را دارد که هدف‌های بازدارندگی و اصلاحی و تربیتی را بر مجازات مرتب سازد و مجرم را باز سازگار سازد. گاهی یک مجازات به مجازت دیگر قابل‌تبدیل است، گاهی قابل تخفیف و گاهی تشدید می‌شود.

نگارنده با فحص و تحقیق در منافع فقهی و حقوقی در راستای موضوع پژوهش، در مورد ایراد جنایات متعدد بر اعضاء، منافع و نفس که در یکدیگر تداخل می‌کند و در موارد تأثیر عواملی چون فاصله زمانی، تعداد ضربات و بهبودی و عدم آن میان ضربات بر احکام تداخل در جنایات موجب قصاص و نیز تداخل در جنایات موجب دیه، به نتایج زیردست یافته است:

الف) در مورد‌ایراد ضربات واحد که جنایات متعددی را بر اعضاء و منافع ایجاد کندو منتهی به فوت مجنی علیه گردد، قصاص طرف در نفس تداخل کرده و جانی به یک قصاص محکوم می‌گردد.

ب) درصورتی‌که جانی با ایراد یک ضربه عمدی فرد را مجروح نماید و مجنی علیه بعد از گذشت زمانی و در اثر سرایت آن جراحت یا جراحات فوت نماید، اگر سرایت اتفاقی و غیرقابل‌پیش‌بینی باشد، جانی به قصاص عضو و دیه نفس ملزم می‌گردد؛ و درصورتی‌که سرایت نوعاً قابل پیش‌بینی باشد یا جانی از سرایت آن آگاهی داشته باشد، حکم قصاص نفس جانی، ثابت می‌گردد.

ج) در مورد‌ایراد ضربات متعدد از سوی جانی که به‌طور متوالی و متقارب بر مجنی علیه واردشده و منجر به مرگ وی گردیده یک قصاص ثابت می‌گردد.

د) در مورد تعدد و تداخل قصاص اطراف که منتهی به فوت نگردیده، دیدگاه عدم تداخل ارجح بوده و چندین حکم قصاص برای جانی ثابت است.

بسیاری از فقهای امامیه، اصل عدم تداخل اسباب را به‌عنوان یک قاعده عام در دو حوزه مسئولیت کیفری و مدنی پذیرفته‌اند. اجرای قاعده در امور جزایی و مسبباتی که از مقوله جرائم و گناهان محسوب می‌شوند از این نظر با موارد غیر جزایی متفاوت است که هرکدام از مسبات در صورت تکرار اسباب، جرم جداگانه محسوب می‌شود و حکم تعدد جرم یا تعدد ارتکاب گناه را دارد.

با توجه به تحول سیستم کیفری ایران در سال ۱۳۹۲، و ایجاد چشم‌انداز نوین در تأسیسات حقوق کیفری عمومی ازجمله تعدد جرم، ارائه پیشنهادهای ذیل به مقنن در پایان مدت آزمایشی این قانون (۱۳۹۷/۲/۱۱) ضروری به نظر می‌رسد:

الف) قانون‌گذار می‌بایست به تبیین تعریفی در باب تعدد جرم اعم از تعدد مادی و معنوی اقدام نماید. چه این‌که تعریف یک تأسیس حقوقی می‌تواند پهنه احکام قضایی آن را با اصول حقوق کیفری سازگارتر نماید.

ب) شایسته است مقنن نسبت به تبیین صریح دیگر مبانی تعدد معنوی جرم اعم از تعدد اهداف، مقدمه بودن عمل دیگری و همچنین تعدد بزه دیده اقدام نماید.

ج) با توجه به اینکه سیستم تکرار جرم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، از موجبات تشدید کیفر محسوب می‌گردد. شایسته است قانون‌گذار فرض اقتران تعدد و تکرار جرم و لزوم تقدم تشدید تکرار را بر تعدد جرم هنگام تعیین و اجرای کیفر تبیین نمایید.

فهرست منابع و مأخذ

الف) کتب

۱. دهخدا، علی‌اکبر، **فرهنگ لغت دهخدا**، رشد، تهران،۱۳۹۰.

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، **ترمینولوژی حقوق**، انتشارات گنج دانش، تهران،۱۳۹۶

۳. شامبیاتی، هوشنگ، **حقوق جزای عمومی (۳)**، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۹۶

۴. شامبیاتی، هوشنگ، **حقوق جزای عمومی**، جلد سوم، انتشارات مجد،۱۳۹۳

۵. شمس ناتری، محمدابراهیم، **قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی**، انتشارات میزان،۱۳۹۳

۶. زراعت، عباس، **شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی، حدود (جرایم منافی عفت)**، انتشارات جنگل، تهران،۱۳۹۳.

۷. فهیم، نرگس، **تداخل جنایات در فقه و مذاهب خمسه و حقوق ایران**، انتشارات مجد، تهران،۱۳۹۳

۸. عدالتخواه، محمدرضا، **مبسوط قانون مجازات اسلامی**، انتشارت مجد، تهران،۱۳۹۳.

۹. معین، محمد، **فرهنگ فارسی**، دوره دوجلدی، جلد اول، کتاب راه نو، تهران،۱۳۸۵.

۱۰.مندنی، اسلام، **حقوق جزای عمومی(مجازات ها)،انتشارات** مجد، تهران،۱۳۹۳

۱۱. نجاری، فارس و دیگران، **قانون مجازات اسلامی به زبان ساده**، انتشارات آوا، تهران،۱۳۹۵

۱۲. ولیدی، محمد صالح؛ **بایسته‌های حقوق جزای عمومی**، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸

ب) مقالات

۱۳. تاج الدینی، معصومه و لیلا مهرابی راد، قاعده عدم تداخل اسباب در مجازات ها، *نخستین کنگره بین المللی حقوق ایران*، تهران، مرکز همایشهای توسعه ایران،۱۳۹۴

۱۴. دعاخوان، سید رضا و دیگران، بررسی فقهی و حقوقی تداخل در جنایات، *اولین همایش ملی وکالت، اخلاق، فقه و حقوق*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد،۱۳۹۳

۱۵. دعاخوان، سید رضا، تحلیل و تفسیر تداخل در جنایات، *نخستین کنگره بین‌المللی حقوق ایران*، تهران، مرکز همایش‌های توسعه ایران،۱۳۹۴

۱۶. ساداتی، محمد مهدی و دیگران، جرم انگاری و کیفرگذاری تعدد حدود در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی، *نشریه علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی*، سال هشتم، شماره چهاردهم،۱۳۹۶

۱۷. کراباسی،محمد مهدی،ماهیت جرم در فقه و قانون جزا،گنجینه معارف، مجله معرفت، شماره ۵۸،**بی تا**.

۱۸. صداقت گویان، فائزه، بررسی تعدد و تکرار جرم در فقه مذاهب اسلامی،بی تا.

۹. لطفی، اسداله وسپیده میر مجیدی، تداخل و عدم تداخل اسباب و مسببات و جلوه‌هایی از آن در فقه و حقوق ایران، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، شماره ۷۲، ۱۳۹۴

۲۰. فرح زادی، علی اکبر و نرگس فهیم، تداخل جنایات موجب قصاص در فقه و مذاهب اسلامی، دوفصلنامه علی پژوهشی فقه مقارن، شماره ده، ۱۳۹۶

۲۱. قبله ای خویی، خلیل و دیگران، تداخل اسباب و مسببات در علم اصول و حقوق موضوعه، *نشریه علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی*، شماره هشتم،۱۳۹۳

۲۲. واعظی،میراز محمد،تاملی در تکرار جرم درفقه امامیه و حقوق ایران،مطالعات اسلامی فقه و اصول،شماره ۸۴، ۱۳۸۹.

۲۳. یزدانی،سیدمحمدعلی، عوامل تشدید مجازات درفقه و حقوق، فقه قضایی،*مجله علمی تخصصی انجمن علمی پژوهشی فقه قضایی*،۱۳۹۳